

۱۳۲۵۹۵۲

قائمیت در اسلام



مدعیان دروغین

A-PDF

Watermark

محمود احمدی مقدم

سرشناسه : احمدی مقدم، محمود، ۱۳۱۴ -

عنوان و نام پدیدآور : قائمیت در اسلام و مدعیان دروغین / محمود احمدی مقدم.

مشخصات نشر : تهران: بنکدار، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۳۵۶ ص.: جدول.

شابک : ۲۵۰۰۰۰ ریال 978-600-5422-29-0 :

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

موضوع : مهدویت -- مدعیان

موضوع : مهدویت

رده بندی کنگره : الف ۳ق ۱۳۹۳/۶/۲۲۴ BP۲۲۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲ :

شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۵۷۶۴۴ :

A-PDF

عنوان: قائمیت در اسلام و مدعیان دروغین

نویسنده : محمود احمدی مقدم

بازخوانی و ویرایش: مهدی بنکدار

ناشر: انتشارات بنکدار (تهران: الهیه - خیابان صحرا-پلاک ۴ تلفن: ۲۲۰۰۰۱۹۵)

چاپ و صحافی: شاپرک

نوبت چاپ: اول، تابستان ۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۲-۲۹-۰

مقدمه‌ی نویسنده.....	۵
قائمت در اسلام.....	۱۳
تاریخ تحلیلی پیدایش بابیت و بهائیت.....	۲۴
زیر بنای اعتقادی شیعیان.....	۲۴
شیخیه (بخش یکم).....	۲۷
شیخیه (بخش دوم).....	۳۲
بابیه.....	۳۶
ازلیه.....	۶۱
بهائیت.....	۶۷
ثابتین و ناقضین.....	۷۲
تألیفات عبدالبها.....	۷۷
در پیرامون تعالیم بیان.....	۸۰
احکام باب.....	۸۴
دعاوی میرزا علیمحمد شیرازی.....	۹۷
دعاوی میرزا حسین علی نوری معروف به بهاء الله.....	۱۱۲
نمونه‌هایی از دستورات بهاء الله.....	۱۱۶
مبحث خاتمیت.....	۱۳۱
استدلالیه.....	۱۳۱
آیه خاتم النبیین.....	۱۳۵
دلیل قطع فیض.....	۱۴۳
دلیل مقتضیات زمان.....	۱۴۷
مبحث احکام.....	۱۵۲

۱۶۲		دلیل سنت
۱۶۶		آیه بنی آدم
۱۷۳		آیه یدبر الامر
۱۸۲		آیه امت وسط
۱۸۷		آیه یلقى الروح
۱۹۰		دلیل دور و نور
۱۹۴		حدیث یوم
۱۹۹		دلیل تقریر
۲۲۳		بخش پنجم، نفوذ
۲۲۶		آیه قطع وطن
۲۳۰		استدلالية مبحث قائمیت
۲۳۱		بخش اول: مهدویت از یک دید وسیع و عمومی
۲۳۹		بخش دوم: تأثیر مهدویت بر تاریخ اسلام
۲۵۰		بخش سوم: اصل امامت و رابطه‌ی آن با مهدویت
۲۶۶		بخش چهارم: آشنائی بیشتر با قائم منتظر (ع)
۲۷۷		بخش پنجم: رستاخیز مهدی (ع) برنامہ و اثر آن
۲۸۹		بخش ششم: سرگذشت حضرت مهدی (ع) تا درگذشت پدر بزرگوارش
۳۳۹		مسأله امامت و رهبری
۳۴۰		ولایت
۳۴۷		وظائف شیعه در غیبت
۳۵۴		دل نوشته‌ها
۳۵۶		بشارت

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه‌ی نویسنده:

حمد و ستایش خداوندی را سزااست که از صفات موجودات برتر است و از وصف توصیف کنندگان منزّه و مبراست و از مراتب مخلوقات یعنی نیاز، ناتوانی و محدودیت و هر آنچه درخور یکتائی او نیست به دور است، به موجب خدائیش زوال و فنا ندارد. آن هیبتی که سراسر هستی را وادار نموده تا بر نعمت‌های بی‌پایان و پیوستگی حسن تدبیر و تنلوب احسان و نعمت‌های او را شکر و سپاس گوید. شهادت می‌دهم که هیچ معنوی نیست جز الله. یکتاست و بی‌نیاز. شهادتی که ترازوی اهل معرفت در روز جزا بدان سنگین و روی‌شان سفید گردد و شهادت می‌دهم که بعد از صلی الله علیه و آله و سلم بنده‌ی برگزیده و فرستاده‌ی منتخب و خاتم رسولان و انبیاء و آقا و سرور و سید همه خلایق و انتخاب شدگان و اصفیاء است و نیز گواهی می‌دهم که وصی او علی ابن ابیطالب بهترین وصی و امامی است که به رهبری و ولایت سفارش شده و این که عترت پاکیزه‌ی او که بهترین خاندان هستند. دوازده امام و پیشوای

راهنمایند. آنان در زمین امین خداوند و حجت‌های او بر بندگان هستند. خداوند توسط آنان نعمت‌های خود را بر ما تمام کرده و کلمه و سخنش را بر ما تمام و چیره ساخته است.

آنان را برای ما برگزیده تا لطف و حکمتش را بر همه نمایان و پرچم عدل و رحمتش را آشکار و روشن سازد.

خداوند بندگان را بیهوده و بی‌حجت نگماشته و همیشه در میان آنان حجت و نماینده‌ای ظاهر و مشهود و یا غایب و پنهان تا مردم را بر خدا هیچ پناهی نباشد و راه راست دینش مشکوک و گمراه کننده نباشد. انتخاب خود را به آنان وانگذاشت. زیرا می‌دانست که از اسرار او بی‌خبرند و خداوند به دور از هر فعل ناروایی همچون تکلیف بندگان به آنچه راهنمایی نشده بودند و خود را در انتخاب و گزینش از شریک منزله ساخته است.

اما بعد: در بررسی تاریخ ملل و ادیان به این نکته می‌خوریم که از خلقت آدم تا زمان موهواره دو طرز تفکر وجود داشته است. این دو طریقه‌ی تفکر دائماً با هم بر خورده‌ای داشته‌اند. در این درگیری‌ها انسان‌های زیادی جان باخته‌اند. این دو گروه یکی بر حق بوده و دیگری نماینده‌ی باطل یعنی گروه طرفداران حق همواره خدا پرستان بوده‌اند و گروه باطل طرفداران شیطان.

زمانی که خداوند آدم را خلق نمود و نیز همسرش حوا را آفرید. به تمام فرشتگان دستور سجده به آدم را صادر فرمود. پس تمام

فرشتگان امر خدا را اطاعت و آدم را سجده کردند. ولی شیطان از پذیرش این امر سرباز زد و به آدم سجده نکرد و گفت من از آدم بهترم و به او سجده نمی‌کنم. در حقیقت نه این که سجده به آدم نکرد بلکه امر پروردگار را رد کرد و اطاعت نکرد. به این وسیله از درگاه پروردگار رانده شده خداوند آدم را سفارش کرد که این شیطان دشمن آشکار و سرسخت توست. مبدا فریبش را بخوری که در نتیجه از بهشت بیرون خواهی شد. دشمنی و مخالفت شروع شد.

شیطان از بهشت رانده شده و به آدم گفته شد که این بهشت جایگاه توست در آن بگردش پرداز و از هر میوه‌ای که خواستی به همراه همسرت بخورید و بیاشامید ولی به این درخت نزدیک نشوید. حالا این درخت هر چه بود. سیب بود گندم بود. یا چیزی دیگر قدر مسلم این است که آن درخت هر چه بود مورد نهی پروردگار بود. لذا شیطان خیلی این طرف و آن طرف زد تا آدم را فریب دهد که به بهشت آدم وارد شود و به هر شکل با ادای قسم شروع آدم را فریفت و آن میوه ممنوعه را به خورد آدم و حوا داد. خداوند به آن دو فرمود مگر به شما نگفتم که از این میوه نخورید؟ حالا از این بهشت بیرون بروید و آنان را از بهشت بیرون کردند و گرفتاری آدم شروع شد.

آدم به یک طرف و حوا به دیگری افتادند و از یکدیگر دور افتادند. بالاخره آدم با راهنمایی فرشته مقرب خداوند به درگاه خدا توبه نمود. لذا خداوند توبه او را که توسط جبرئیل کلماتی را به آدم

آموخت که بگوید یا حامد به حق محمد، یا عالی به حق علی، یا فاطر به حق فاطمه یا محسن به حق الحسن و یا قدیم الاحسان به حق الحسین و بدین وسیله توبه آدم پذیرفته شد و آدم سال‌ها از حوا دور بود تا این که او را یافت. بالاخره زندگی شیرین شد و اولین ازدواج یعنی آدم و حوا صورت گرفت. نسل‌های زیادی گذشته و انبیای فراوانی آمده‌اند. مردم را به راه راست هدایت کردند و وظائفشان را به انجام رساندند و بالاخره یک صد و بیست و چهار هزار پیامبر برای هدایت بشر به راه راست از طرف خداوند مبعوث شده‌اند که اولین آنان آدم و آخرین‌شان حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد. این که به این سرعت از اولین پیامبر شروع کردم و زحمات انبیا دیگر را متذکر نشدم، فقط برای اختصار است. زیرا بحث ما درباره اصول اعتقادات اسلامی است و بخصوص عقیده شیعه امامیه اثنا عشریه است و به عنوان زیربنای ایده‌ی خود خیلی مختصر شد.

عقیده، طرز تفکر و جهان بینی هر انسان مؤمن می‌باشد. بر این اساس ما باید بدانیم که، که هستیم؟ از کجا آمده‌ایم در کجا هستیم و به کجا می‌رویم؟ البته نه این که نام و نام فامیل و آدرس منزل خود را بدانیم که البته اینها را هم باید بدانیم تا گم نشویم.

منظور ما در اینجا این است که زمانی نبودیم. نه خودمان بلکه پدرمان آدم هم نبود. خداوند آدم را خلق کرد. بنابراین ما خالقی

داریم که باید از او اطاعت کنیم. به او امر و نواهی او عمل کنیم. باید بدانیم که خداوند مستقیماً ما را مورد امر و نهی خود قرار نمی‌دهد. بلکه از میان بندگان پاک و پرهیز کار یکی را انتخاب می‌کند و به او به وسیله الهام و یا فرشته وحی دستوراتی را می‌دهد و او هم اوامر خداوند را به مردم می‌رساند. این مردم هستند که باید طبق این دستورات عمل کنند. در غیر این صورت پس از گذران عمر دنیوی در قیامت که به حساب‌ها رسیدگی می‌شود نیکوکاران را به بهشت و زشت‌کاران را به جهنم می‌برند. به این وسیله اصول دین مطرح می‌شود. اصول دین به طور کلی سه تا است توحید، نبوت و معاد. باید بدانیم که خداوند بزرگ‌عامل است و نیز بعد از پیامبر اسلام که آخرین پیامبر می‌باشد تا روز قیامت ۱۲ امام مردم را به راه راست هدایت می‌کنند. با این حساب می‌شود توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد که روی هم اصول دین شیعه اثنی عشری ۵ تا است به شرحی که گفته شد.

۱- اما توحید یعنی یگانه دانستن خداوند و آن این که خداوند را یکتا بدانیم و او را از شریک پاک و مبرا بدانیم. این که او را جسم و همانند چیز دیگری ندانیم (جهان را خالق باشد خدا نام).

عالم و قادر و حی است و مرید و مدرک. بی‌شریک است و معانی تو غنی‌دان خالق. خداوند دارای نشانه‌ها و صفاتی است که خود را در قرآن معرفی کرده و از معایب منزّه و مبرا است.

علی علیه السّلام در خطبه ۱ نهج البلاغه می‌فرماید: سپاس شایسته خدائی است که گویندگان از توصیف او عاجز و ناتوانند و آمارگران از شمردن بخشش‌هایش عاجزند. هیچ کوشائی قادر به ادای حق نعمتش نیست. اندیشه دور پرواز از درک وجودش حیران است. آن که وصف کردنش محدود به حد و غایتی نیست و نه بیرون از ذاتش می‌باشد. نه‌زمان دارد که بودنش شماره شود و نه مدتی دارد که به حساب آید. نه وقتی که طول وجودش قیاس شود. کسی که به سویی اشاره کند، محدودش ساخته و آن که محدودش ساخته او را مشخص کرده و برشمرده. یعنی او را با سایر مخلوقات یکسان دانسته است.

هر گوید خدا در چیست؟ او را ضمن و جزئی از چیزی در آورده و آن که گوید خدا بر چیست؟ جائی را دور از او پنداشته است. همیشه بوده و به وجود نیامده است. موجود است بی آن که عدمی بر او پیش داشته باشد. یا هر چیزی است نه به طریق همسری و نزدیکی جسمی. مغایر هر چیزی است نه از راه تباین و مفارقت جسمانی. صانع اشیاء است بی‌مدد و جنبش و ابزار بینای به مخلوق است، پیش از آن که منظوری را به وجود آورده باشد.

یکتا و تنهاست بی آن که تنهائیش به اعتبار وجود مونسى باشد و یا از نبودن آن به وحشت افتد...

خداوند عادل است. براساس همین عدالت است که بهشت و دوزخ را خلق نموده و برای هدایت بشر شخصی از خودشان یعنی انسانی را از بین انسان‌ها که پاک و مبرا از بدی‌ها و با کمالات انسانی است انتخاب می‌کند که طبق عقیده شیعه این شخص شیخ، چند نشانه باید داشته باشد که به قرار زیر است:

۱- عالم باشد: با این که نزد هیچ معلمی درس نخوانده. امی و

بی سواد باشد در عین حال از غیب خبر داشته باشد.

۲- معجزه: کاری که هیچ کس دیگر نتواند انجام دهد.

۳- عصمت: از بدی تواند الهی آخر عمرش عمل زشت و حرام از او سرزنند.

۴- نص صریح پیامبر یا امام قبلی: یعنی پیغمبر قبلی خبر آمدنش را به مردم داده باشد.

A-PDF

۵- دارا بودن میراث انبیاء و از جمله سلاح پیامبر اکرم.

ما به چنین شخصی، پیغمبر یا امام می‌گوییم و پیغمبر ما حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله چنین بود. به شهادت کتب قبل و

بعد از نبوتش یعنی تورات و انجیل و کتاب‌های پیامبران قبلی و نیز

کتب دانشمندان بعد از پیامبر اسلام زیرا آن حضرت آخرین پیامبر

است و بعد از او پیامبری نخواهد آمد و خاتم النبیین است. اما

شیعیان بعد از پیامبر به دوازده نفر از امامان طبق سفارش پیغمبر

اکرم ایمان دارند و این ایمان به امامان تا روز قیامت ادامه دارد. تا

زمان ما یازده نفر از این امامان وظایف خود را به پایان رسانده‌اند و تنها یک تن از آن بزرگواران زنده است. ایشان حضرت حجت بن الحسن العسگری می‌باشد که در شب نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هجری در شهر سامرا در عراق متولد شدند و از سال دویست و شصت که پدر بزرگوارشان شهید شد، به امامت رسید. تا سال سیصد و بیست و نه هجری توسط چهار نفر از معتمدین آن حضرت که به نواب اربعه معروفند، یکی پس از دیگری پیام خود را به مردم و شیعیان می‌رساند. پس از آن سال یعنی سال سیصد و بیست و نه، طبق آخرین نامه‌ای که به آخرین نایب خویش یعنی جناب علی بن محمد سمیری نوشت غیبت کبری آغاز شد و تا زمان قیام ادامه دارد.

محمود احمدی مقدم

A-PDF

Watermark